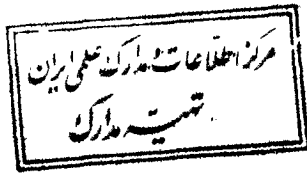


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه تحصیلی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ

موضوع :

زندگانی سیاسی و آثار سیدضیاء الدین طباطبائی یزدی

به راهنمایی

استاد ارجمند جناب آقای دکتر عبدالهادی حائری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر مسعود فرهود

نگارش :

عباس‌هاشم زاده محمدیه

نیمسال دوم سال تحصیلی

۱۳۶۹ - ۱۳۷۰

۱۷۷۱۳

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱ - ۲	<u>پیشگفتار</u>
۳ - ۱۷	<u>مقدمه</u>
۳	اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر
۳ - ۱۰	نگاهی به زندگانی سیاسی سیدضیاءالدین و محتوای این پژوهش
۱۰ - ۱۳	سخنی دربارهٔ مآخذ
۱۳ - ۱۷	نگاهی به پژوهشهای تازه پیرامون زندگانی سیدضیاءالدین
	<u>فصل یکم : زندگانی سیدضیاءالدین از آغاز تا انتشار روزنامه</u>
۱۸ - ۶۲	<u>رعد</u>
۱۹ - ۲۲	خانواده، کودکی و نوجوانی سیدضیاءالدین
۲۲ - ۲۷	سیدضیاءالدین در شیراز
۲۷ - ۳۲	انتشار روزنامه <u>ندای اسلام</u>
۳۲ - ۴۶	سیدضیاءالدین در دورهٔ استبداد صغیر
۴۶ - ۵۱	انتشار روزنامه <u>شرق</u>
۵۱ - ۵۵	انتشار روزنامه <u>برق</u>
۵۵ - ۶۰	سفر سیدضیاءالدین به اروپا
۶۰ - ۶۲	یادداشتها
	<u>فصل دوم : از انتشار روزنامه رعد تا کودتای سوم حوت</u>

۶۳ - ۱۱۲	(اسفند) ۱۲۹۹ خورشیدی / ۲۱ فوریه ۱۹۲۱
۶۴ - ۷۳	نگاهی به اوضاع سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی ایران در این دوره
۷۴ - ۷۹	نگاهی به خاستگاه سیاسی سیدضیاءالدین و مروری بر سایر نیروهای سیاسی تاریخ معاصر ایران
۷۹ - ۸۶	انتشار روزنامه <u>رعد</u> .
۸۶ - ۹۱	سفر سیدضیاءالدین به روسیه از محرم تا جمادی الثانی ۱۳۳۵ / اکتبر ۱۹۱۶ تا آوریل ۱۹۱۷
۹۱ - ۹۵	سیدضیاءالدین و طرفداری از قرارداد ۱۹۱۹
۹۵ - ۹۸	سفر سیدضیاءالدین به باکو برای بستن قراردادها بی با دولت ضد بلشویک قفقاز
۹۹	کمیته آهن
۹۹ - ۱۰۱	کمیته آهن کرمان
۱۰۱ - ۱۰۳	کمیته آهن اصفهان
۱۰۳ - ۱۰۶	سیدضیاءالدین و کمیته آهن تهران
۱۰۶ - ۱۱۲	یادداشتها
	<u>فصل سوم : کودتای سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ خورشیدی / ۲۱ فوریه</u>

۱۹۲۱

۱۱۴-۱۱۹	نگاهی به این کودتا و اوضاع داخلی و خارجی ایران در زمان وقوع آن
---------	--

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۱۹-۱۲۵	تلاش برای کودتا
۱۲۱	الف - طرح مدرس
۱۲۱	ب - طرح کودتا توسط نیروی ژاندارم
۱۲۱-۱۲۳	ج - طرح استاروسلسکی
۱۲۳-۱۲۵	د - طرح سالار جنگ
۱۲۵	ه - طرح میرزا کوچک خان
۱۲۵	و - طرح فرمانفرما
۱۲۵-۱۵۶	انگلیس و کودتا
۱۲۷-۱۳۲	۱ . طرح کودتا توسط ایل بختیاری
۱۳۲-۱۳۶	۲ . طرح کودتای نصرت الدوله
۱۳۶-۱۵۶	۳ . طرح کودتای سوم حوت
۱۵۶-۱۵۸	چگونگی وقوع کودتای سوم حوت
۱۵۹-۱۶۷	اقدامات کودتاگران پیش از تشکیل کابینه
۱۶۷-۱۶۸	کابینه سیدضیاء الدین
۱۶۸-۱۷۲	اقدامات کابینه
۱۷۲-۱۷۵	سقوط کابینه
	اقدامات موافقان و مخالفان کابینه سیدضیاء الدین پس از
۱۷۵-۱۸۳	سقوط وی
۱۸۳-۱۹۱	یادداشتها
	<u>فصل چهارم: بیست و دو سال دوری از وطن (۱۳۰۰-۲۲ خورشیدی)</u>
<u>۱۹۲-۲۱۴</u>	<u>(۱۹۲۱-۴۳)</u>

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۹۳-۱۹۷	طریق سفر سیدضیاء الدین و آنچه در آن طریق بروی گذشت
۱۹۷-۲۰۲	چگونگی گذران سیدضیاء الدین از لحاظ مالی در این سفر
۲۰۲-۲۰۸	دیدارها و معاشرتهای سیدضیاء الدین در این دوره
۲۰۲-۲۰۸	سیدضیاء الدین و کنفرانس اسلامی فلسطین
۲۱۲-۲۱۴	یادداشتها
<u>فصل پنجم: زندگانی سیاسی سیدضیاء الدین از سال ۱۳۲۲</u>	
۲۱۵-۲۵۱	<u>خورشیدی/۱۹۴۳ تا مرگ او در سال ۱۳۴۸ خورشیدی/۱۹۶۹</u>
۲۱۶-۲۱۸	مروری بر زندگانی وی در این دوره
۲۱۹-۲۲۰	نگاهی به اوضاع سیاسی ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی/ ۱۹۴۱
۲۲۰-۲۲۷	اقدامات داخلی و خارجی برای بازگرداندن سیدضیاء الدین
۲۲۷-۲۳۲	سیدضیاء الدین در مجلس چهاردهم
۲۳۲-۲۳۷	سیدضیاء الدین و حزب راددهء ملی
	زندگانی سیاسی سیدضیاء الدین در سالهای ۳۲-۱۳۲۵ خورشیدی/ ۱۹۴۶-۵۳
۲۳۷-۲۴۱	
۲۴۲-۲۴۷	آخرین سالهای زندگانی سیدضیاء الدین
۲۴۷-۲۵۱	یادداشتها
۲۵۲-۲۷۳	<u>فصل ششم: تحصیلات و آثار</u>
	تحصیلات
۲۵۳-۲۵۵	
۲۵۵-۲۷۳	آثار

پیشگفتار

دل‌بستگی اینجانب به مطالعه در زمینه تاریخ معاصر ایران و سفر شه‌های اکیداستاد بزرگوار، جناب آقای دکتر عبدالهادی حائری، استاد راهنمای این پژوهش، از جمله دلایلی بود که مرا واداشت که موضوع پژوهشی را که در پیش رو دارید، به عنوان موضوع پایان نامه تحصیلی خود انتخاب کنم. در آغاز کسه هنوز غرق در انجام کارهای مربوط به پژوهش حاضر نشده بودم، انجام آن چندان مشکل نمی نمود اما وقتی دریا فتم که برای انجام این پژوهش به نحو احسن حداقل به مطالعه دقیق تاریخ معاصر ایران و حتی برخی از کشورهای دیگر طی دوره‌ای بیش از هشتاد سال که دوره عمر سیدضیاء الدین را تشکیل می‌دهد، نیاز است و در این دوره نیز نقاط مبهم فراوان و مآخذ بسیار زیاد و در بسیاری از موارد صعب الوصول است، آشکار شد که انجام پژوهش حاضر کاری نیست که تلاش برای نوشتن یک پایان نامه تحصیلی جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، هر چند که زیاده باشد، بتواند آن را کفایت کند تا آنجا که هنگام نوشتن فصل سوم این پژوهش که عنوان آن " کودتای سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ خورشیدی/ ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ " است، بارها این فکر به ذهنم رسید که ای کاش فقط موضوع همین فصل را به عنوان موضوع پایان نامه خود انتخاب می‌کردم، این فکر در هنگام نوشتن سایر فصول نیز در برخی از جاها به مخیله‌ام خطور می‌کرد اما بنا به دلایلی این افکار نتوانست مرا از به انجام رساندن کاری که آغاز کرده بودم، بازدارد و در حد توان ناچیز فرصتی (حدود دو سال) که داشتم، برای انجام این کار کوشیدم. در این راه افراد و مؤسسات گوناگونی به اینجانب کمک کردند کسه در خورد قدردانی و بیادآوری است. از جمله کمک و ارشاد استاد ارجمند، جناب

آقای دکتر عبدالهادی حائری که راهنمایی آن را به عهده داشتند، آنقدر آشکار و زیاد بود که ناگفته پیداست و درخور سپاسگزاری فراوان است. استاد محترم جناب آقای دکتر مسعود فرنود نیز که استاد مشاور اینجانب در این پژوهش بوده‌اند بویژه در مراحل پایانی کار از هرگونه کمکی که ممکن و لازم بود، دریغ نکردند که جای تشکر دارد. آقایان محمدتقی ایمانپور، مجید تفرشی، حسین خاوری، رضا سلامی، منصور صفت گل، بهروز طیرانی، وحید قلفی و محمد حسین منظور الاجداد نیز هریک کما بیش و به نحوی از انحاء در راه به ثمر رسیدن این کار به شکلی که عرضه می‌شود، دخیل بوده‌اند. ضمن تشکر از این دوستان، از سایر دوستانی هم که جا داشت نامشان در اینجا می‌آید، تشکر می‌شود. نکته‌ای که در اینجا یادکردنی است، این است که در عین حال هرکاستی که در این پژوهش وجود دارد، به نگارنده برمی‌گردد.

برخی از مؤسسات نیز با تمام امکانات خود به اینجانب کمک‌های درخور سپاسی کرده‌اند، از میان این مؤسسات نام کتابخانه‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، سازمان اسناد ملی ایران، کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی و کتابخانه ملی یادکردنی است.

مقدمه

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر

صحنه سیاست در تاریخ از جمله در تاریخ معاصر، شاهد تلاش سیاستمداران زیادی بوده است که بررسی تلاش هریک از آنان و بازآفرینی این تلاش، ثمری گرانبها دارد که بویژه سیاستمداران را به کارآید. این ثمرگران به یک دوره زندگانی است که بر اثر یک پژوهش نسبتاً "جامع و مانع" می‌تواند دست‌آید و در اختیار هرکس که بخواهد قرار گیرد. پژوهش حاضر که پیرامون زندگانی سیاسی، افکار و آثار سیدضیاءالدین طباطبائی یزدی (۱۳۴۸-۱۲۶۸ خورشیدی/۱۹۶۹-۱۸۸۹)، روزنامه‌نگار روسیاستمدار معروف تاریخ معاصر ایران صورت گرفته است، هدفش دست یافتن به ثمر مذکور بوده است و در هنگام سخن گفتن از آن خواهید دید که جایش هم در میان پژوهشهایی که انجام شده، خالی است. این که این پژوهش تا چه حد در پرکردن این جای خالی کامیاب بوده است، پرسشی است که بیش از همه اساتید تاریخ سیاسی معاصر ایران، شایستگی پاسخگویی به آن را دارند. وظیفه نگارنده در پیوند با پژوهش حاضر این بوده و هست که در حد توان و استعداد خود در راه کامیابی آن بکوشد.

نگاهی به زندگانی سیاسی سیدضیاءالدین و محتوای این پژوهش

سیدضیاءالدین، در زندگانی سیاسی خود، پنج مرحله متمایز را پست سر نهاده است. مرحله اول دربرگیرنده دوره‌ای است که از آغاز حیات سیاسی وی آغاز و به بازگشت او به ایران پس از تبعیدش به اروپا خاتمه می‌پذیرد. این تبعید که حدود دو سال طول کشید و در سال ۱۹۱۲/۱۳۳۱ پایان یافت، بدان خاطر

صورت گرفت که سیدضیاءالدین در روزنامه‌های خود یعنی شرق (تاسیس در سال ۱۹۰۹/۱۳۲۷) و بیرق از اعمال مقامات دولتی انتقاد می‌کرد و دم از اصلاح اجتماع می‌زد. او در این مرحله از زندگانی خود گرایشهای مذهبی قویتری نسبت به مراحل بعدی داشت و به‌هواداری هیچیک از دولت‌های خارجی مشهور نبود و با همگامی با مشروطه‌خواهان، از جمله در دوره استبداد صغیر و دفاع از نوگرایی و اصلاح در روزنامه‌هایی که انتشار داد یعنی روزنامه ندای اسلام و روزنامه‌های شرق و بیرق که در بالا ذکر آند، به عمل آمد، نشان داد که اندیشه‌گری نوگرا است، اندیشه‌گری است که می‌کوشد خود را با دنیا در حال دگرگونی زمانش هم‌نوا کند. مرحله دوم زندگانی سیاسی وی که با انتشار روزنامه رعد در سال ۱۹۱۲/۱۳۳۱ آغاز می‌شود و به سفرش به اروپا در سال ۱۳۰۰ خورشیدی/۱۹۲۱ منتهی می‌گردد به‌هواداری آشکار او از سیاست انگلیس در ایران، از مرحله اول ممتاز است. از رویدادهای مهمی که در این مرحله از زندگانی وی در ایران و جهان روی داد، جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴/۱۳۲۷-۱۳۳۳)، بسته شدن قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ بین انگلیس و ایران و کودتای سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ خورشیدی/۲۱ فوریه ۱۹۲۱ را می‌توان نام برد. سیدضیاءالدین در همه این رویدادها با سیاست انگلیس هم‌نوا بود و آشکارا از این کشور طرفداری می‌کرد و در همین مرحله از زندگی بود که در کنار روزنامه‌نگاری می‌کوشید تا به مقامات عالی‌سیاسی دست پیدا کند. موفقیت عمده وی در این تلاش نیلش به ریاست کمیته آهن تهران و انتصابش به مقام رئیس‌الوزرائی از سوی احمدشاه پس از کودتای سوم حوت بود. سیدضیاءالدین پس از این مرحله از زندگانی خود حدود بیست و دو سال در خارج از ایران بسر می‌برد.

او در این بیست و دو سال از زندگانی خود که در اروپا و فلسطین گذشت و در

این پژوهش همچون بقیه سالهای زندگی وی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، در صحنه سیاسی ایران حضور نداشته اما در صحنه سیاسی خاور میانه کمابیش فعالیت‌هایی می‌کرد. نمونه برجسته فعالیت‌های وی در آن صحنه شرکت‌نویس و در کنفرانس اسلامی فلسطین بود که در سال ۱۳۱۱/۱۹۳۱ خورشیدی تشکیل شد و سیاست انگلیس را در حمایت از یهودیان صهیونیست محکوم کرد. وی پس از شرکت در این کنفرانس همکاران خود را با گردانندگان آن تا زمان بازگشتش به ایران در سال ۱۳۲۲ خورشیدی/۱۹۴۳ ادامه داد.

با بازگشت سیدضیاءالدین به ایران زندگانی سیاسی وی وارد مرحله چهارم خودش. تا زگی این مرحله به فعالیت گسترده سیاسی او در صحنه سیاسی ایران پس از بیست و دو سال دوری از این صحنه است. این مرحله حدود ده سال طول کشید و به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲/۱۹۵۲ ختم شد. در این ده سال که جزء دوازده ساله است که طی آن ایران پس از دوره سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ خورشیدی/۱۹۴۱-۱۹۲۵) از یک آزادی نسبی برخوردار بود، حوادث مهمی در ایران اتفاق افتاد. رضا شاه هنگامی جای خود را به پسرش محمد رضا شاه (سلطنت ۱۳۵۷-۱۳۲۰ خورشیدی/۱۹۵۷-۱۹۴۱) داد که با نقض بیطرفی و اشغال ایران توسط نیروهای انگلیس و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی/۱۹۴۱، آتش جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴-۱۳۱۹ خورشیدی/۱۹۴۵-۱۹۴۰) به ایران نیز سرایت کرده بود. این جنگ که در آن متفقین (مانند انگلیس، شوروی و آمریکا) و متحدین (مانند آلمان، ایتالیا و ژاپن) در برابر هم قرار داشتند، از جنبه‌های مختلف از جمله از جنبه سیاسی در ایران اثر نهاد. در جریان این جنگ از جمله در زمان بازگشت سیدضیاءالدین به ایران گروه‌های سیاسی مختلف در این کشور مواضع گوناگونی را در برابر دول درگیر در جنگ اتخاذ کرده بودند. در میان گروه‌های مذکور سه گروه برجسته‌تر

می‌نمود، گروه چپ، گروه راست و گروه ملت‌گرا، گروه چپ‌به رهبری حزب توده که پس از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱ تشکیل شده بود به‌شوروی و مرام مارکسیستی - لنینیستی گرایش داشت و هوادار همسایه شمالی بود. گروه راست به رهبری سیدضیاءالدین از سیاست انگلیس‌هواداری می‌کرد و همسایه جنوبی را برهمسایه شمالی شدیداً "ترجیح می‌داد. این دوگروه در صحنه مطبوعات و دسته‌بندی‌های سیاسی با یکدیگر آشکارا و به شدت مبارزه می‌کردند. گروه سوم از هیچ‌یک از دو دولت انگلیس و شوروی هواداری نمی‌کرد و بیشتر منافع ملی را در نظر داشت تا خوشایند دو دولت مذکور. این گروه نیز در صحنه مبارزه گروه‌های مختلف با یکدیگر حاضر بود. در جریان حوادثی که پس از جنگ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲/۱۹۵۳ روی داد، نیز هر یک از این سه گروه به سهم خود نقش داشت. یکی از آن حوادث نهضت ملی شدن صنعت نفت بود. گروه ملی‌گرا چون از دولت بیگانه‌ای حمایت نمی‌کرد، در راستای این نهضت قرار گرفت. یکی از رهبران برجسته این نهضت دکتر محمد مصدق بود که در بین سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۰ خورشیدی ۱۹۵۳-۱۹۵۱ به استثنای حدود ۵ روز، نخست‌وزیر ایران بود و سرانجام با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از نخست‌وزیری برکنار شد. گروه مصدق و گروه سیدضیاءالدین و توده‌ایها از بدو تشکیل تا زمان این نهضت و در جریان آن با یکدیگر کشمکش داشتند ولی دو گروه اخیر نتوانستند در میان مردم جای گروه مصدق را بگیرند. چرا که داغ هواداری از بیگانه بر پیشانی‌شان خورده و این اعتماد مردم را از آنان سلب کرده و وسیله‌ای کارآمد در دست مخالفان نشان برای تبلیغ برضد آنان گردیده بود. این مرحله از زندگانی سیاسی سیدضیاءالدین یکی از مراحل مهم آن می‌باشد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد زندگانی سیاسی سیدضیاءالدین وارد پنجمین

مرحله خود می‌شود. مرحله‌ای که در آن دیگر سیدضیاء الدین حداقل فعالیت سیاسی آشکاری ندارد و این مرحله به همین جهت از سایر مراحل زندگانی وی ممتاز است. اگرچه وی در این مرحله بیشتر یک کشاورز و پرورش دهنده طيور به نظر می‌آید ولی با توجه به سوابقی که در کار فعالیت سیاسی داشت مورد مشورت سیاستمداران قرار می‌گرفت و اگر نه به عنوان یک آدم حزبی بلکه به عنوان یک شخص ذینفوذ سیاسی در این گونه امور نقش داشت. این مرحله به مرگ سیدضیاء الدین در سال ۱۳۴۸ خورشیدی/۱۹۶۹ ختم می‌شود.

بر اساس آنچه که گذشت در پنج فصل از پژوهش حاضر مستقیماً " زندگانی سیاسی وی بررسی می‌شود.

فصل اول این پژوهش به بررسی زندگانی سیاسی سیدضیاء الدین از آغاز تا انتشار روزنامه رعد اختصاص دارد. در این فصل نخست کودکی و نوجوانی وی مورد بررسی قرار می‌گیرند و از آثار محیط خانوادگی و اجتماعی در شکل یافتن شخصیت او سخن می‌رود. بقیه این فصل صرف بررسی فعالیت‌های سیاسی و روزنامه‌نگاری وی در شیراز و تهران خواهد شد. این فصل از جمله دوره‌ای را در بر می‌گیرد که شاهد تلاش او برای استقرار نظام مشروطه در شیراز و انتشار روزنامه ندای اسلام در این شهر، تلاش وی در دوره استبداد صغیر برای اعاده نظام مشروطه در تهران و انتشار روزنامه‌های شرق و برق در این شهر پس از استقرار مجدد مشروطه می‌باشد. این فصل با سخن درباره علت تبعید سیدضیاء الدین به اروپا و اقامتش در برخی از کشورهای آن قاره پایان می‌یابد. هرچند از این اقامت وی در اروپا اطلاعات اندکی در دست است اما بر اساس همان اطلاعات اندک کوشش خواهد شد که سرگذشت اوطی این مدت و نحوه رویارویی با اوضاع آنجا بیان شود.

در فصل دوم که از انتشار روزنامه رعد تا کودتای سوم حوت (اسفند)

۱۲۹۹ خورشیدی/۲۱ فوریه ۱۹۲۱ را در بر می‌گیرد از مطالب زیر سخن می‌رود: انتشار روزنامه «رعد» و هواداری آشکار از متفقین در آن روزنامه و برخی دیگر از مطالب روزنامه مذکور؛ سفر سیدضیاءالدین به روسیه برای رفع خستگی و کسالت، در این قسمت ضمن سخن گفتن از این سفر، این سؤال مطرح و سعی در پاسخگویی به آن خواهد شد که آیا واقعا "سفر مذکور برای رفع خستگی و کسالت بوده است یا به بهانه آن؟ سیدضیاءالدین و قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹، در این قسمت نخست مختصری درباره این قرارداد و سپس سخنان مفصلی درباره هواداری سیدضیاءالدین از آن گفته خواهد شد؛ سفر رسمی وی به باکو برای بستن قراردادهایی از جانب دولت ایران با دولت ضد بلشویک قفقاز که مرکزش باکو بود؛ تلاش برای دستیابی به قدرت و کمیته آهن، در این قسمت از اندیشه سیدضیاءالدین بربرای رسیدن به قدرت و کوششهایی که در این راستا انجام داد از جمله از تشکیل کمیته آهن سخن می‌رود، این کوششها به کودتای سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ منجر شد که به علت اهمیت آن به تنهایی موضوع فصلی مستقل یعنی فصل سوم است.

در فصل سوم از جمله از اوضاع داخلی و خارجی ایران در زمان رویسدادن کودتای سوم حوت، تلاش برای کودتا و چگونگی وقوع آن، کابینه سیدضیاءالدین اقدامات و سقوط آن سخن می‌رود.

فصل چهارم به بررسی زندگانی سیدضیاءالدین طی بیست و دو سالی که در خارج از ایران بسربرد اختصاص یافته است. شرح چگونگی زندگانی وی در اروپا و فلسطین طی این بیست و دو سال و طرح این سؤال که آیا واقعا "طی این مدت نیز در راستای هواداری از سیاست انگلیس‌گام برمی‌داشت یا خیر از محتویات این فصل است.

در فصل پنجم نخست مختصری درباره اوضاع ایران پس از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱

وازمین رفتن دیکتا توری رضا شاه سخن می‌رود. پس از آن از با زگشت سید ضیاء الدین از فلسطین به ایران در سال ۱۳۲۲/۱۹۴۳ سخن به میان می‌آید و این سؤال که نقش عوامل مختلف داخلی و خارجی در با زگردانیدن وی چه بود طرح و به آن پاسخ داده می‌شود و واکنش‌های نیروهای مختلف داخلی نسبت به با زگشت وی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سید ضیاء الدین در راس جناح راست که هوادار انگلیس بود و در مقابل جناح چپ به رهبری حزب توده، هوادار شوروی و دیگر جناح‌ها قرار داشت از مطالب دیگران بحث است. در این راستا از فعالیت‌های سید ضیاء الدین نظیر تشکیل حزب وطن که سپس به راده ملی تغییر نام یافت و فعالیت‌های او به عنوان نماینده مجلس چهارم و مسائلی از این قبیل سخن خواهد رفت.

با زداشت وی از سوی دولت قوام السلطنه در سال ۱۳۲۵ خورشیدی/۱۹۴۶، کاهش فعالیت سیاسی وی پس از این با زداشت، جبهه ضد دیکتا توری، سید ضیاء الدین و نهضت ملی شدن صنعت نفت از دیگر مسائل مورد بحث در این فصل است.

در فصل پنجم همچنین آخرین سال‌های زندگانی او مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این قسمت از این فصل با این که ۱۶ سال (۱۳۴۸-۱۳۳۲ خورشیدی/۱۹۶۹-۱۹۵۲) از زندگانی وی را در بر می‌گیرد، سخن زیادی پیرامون فعالیت‌های سیاسی وی گفته نشده است. چرا که در این دوره شانزده ساله فعالیت سیاسی آشکاری نداشته است و در نقش یک شخص ذینفوذ در صحنه سیاسی جلوه می‌کند تا در نقش یک شخص حزبی. در همین دوره است که وی را با این که ظاهراً "کشاورز و پرورش دهنده طیور بوده، مشاور خصوصی محمدرضا شاه پهلوی و مشاور برخی دیگر از سیاستمداران فعال در صحنه سیاسی ایران خوانده‌اند. در این قسمت مسائل مربوط به نقش سید ضیاء الدین به عنوان یک شخص ذینفوذ در صحنه سیاسی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل ششم به سخن درباره تحصیل و بررسی آثار او اختصاص دارد. در این